



**دارید، شرایط این دور رسانه را چطور ارزیابی می‌کنید؟**  
 فضای کاری هنرمندان مخصوصاً بازیگران با قبل بسیار متفاوت است. تلویزیون دیگر کارکرد پیشین خود را ندارد. سینما هم خیلی تغییر کرده است البته هزار چند گاهی آثار امید بخشی مانند فیلم جنگ جهانی سوم و یا تفریق و ... تولید می‌شود که قابل تامل است. اما تصمیم گیرندگان در حوزه رسانه خیلی هنرمندان و دغدغه‌هایشان را درک نمی‌کنند از شخص خاصی نام نمی‌برم چرا که در هر سازمان و گروهی ممکن است چندین نفر باشند که دغدغه‌مند باشند. ولی وجود برخی اشخاص در بعضی سمت‌ها واقعا به غیر از اینکه موجب رنجش هنرمندان را فراهم می‌کنند کارکرد دیگری ندارند. با همه این احوال همیشه خواسته قلبی‌ام این بوده

است که کنار مردم باشم.

**از نظر شما هنرمندان در این شرایط چه کمکی به مردم می‌توانند داشته باشند؟**

از نظر من هنرمندان با تمام توان خود وارد شده‌اند و هر کاری که از دست‌شان بر می‌آمده را انجام داده‌اند. چه هنرمندانی که آثارشان پرفروش و پرمخاطب می‌شود و چه هنرمندانی که به این امید اثر می‌سازند اما ممکن است شکست را متحمل شوند. قصد هنرمندان این است که حال مردم را خوب کنند چرا که حال خوب مردم نهایت خواسته آنهاست. اما در این میان بر کسی پوشیده نیست که هنرمند در مسائل اجرایی قدرتی ندارد که بخواهد کاری از پیش ببرد. برای من همه این هنرمندان چه کسانی که به هر دلیلی در محدودیت هستند و چه کسانی که در حال کار کردن هستند، دوست داشتنی و قابل احترام هستند. بیشترین کاری که در این شرایط از هنرمندان برمی‌آمده است این است که خود را سیبیل تخلیه روحی و روانی مردم قرار داده‌اند. گاهی مردم با ناسزا گفتن به هنرمندان آرام می‌شوند من به شخصه این شرایط را درک کرده و می‌پذیرم. همان طور که اثری از من در حال اکران است و عده‌ای همچنان مرا فحش می‌دهند.

**شرایط بسیار غم‌انگیز است..!**

بله و متأسفانه چیزی هم نمی‌توان گفت. هنرمندان از دو ناحیه مورد حمله قرار گرفتند و در این شرایط هم کار نکردن سخت است و هم کار کردن!

**آیا خانواده داوودنژاد، قصد بازگشت به دوره‌ای را دارند که با فیلم‌های چون مصائب شیرین و ... لحظات زیبایی را برای مخاطب سینما ماندگار می‌کردند؟**

از آینده بی‌خبرم. شاید بله و شاید هم خیر. در حال حاضر برنامه‌ریزی برای تولید اثر با وجود ابهاماتی که هست ناشدنی است. نه تنها بنده که به نظر هیچ کس نمی‌تواند برنامه‌ریزی مشخصی برای آینده کاری و حرفه‌ای خود در این شرایط داشته باشد.

**صحبت پایانی:**

خدا به همه صبر بدهد.

**شهرام مسلخی:**

**سر نوشت فیلم را دست‌های پشت پرده مشخص می‌کنند از سابقه خود در سینما بگوئید؟**

مخاطبان بیشتر بنده را با اثر سینمایی «گیلان» می‌شناسند که اولین تجربه جدی بنده در حوزه سینما بود. گیلان در دوره اکران پرفروش‌ترین فیلم در کردستان عراق و مناطق همجوار بود. بعد از آن در سال ۱۳۹۳ با فیلم «عاشق‌ها ایستاده می‌میرند» در جشنواره فجر به عنوان جوان‌ترین کارگردان سینمای ایران حضور پیدا کردم که اتفاقاً فیلم نتایج و جوایز خوبی را در جشنواره‌های مختلف همان دوره کسب کرد. بعد از آن تهیه‌کنندگی فیلم «پدران» را به عهده داشتم و همچنین ساخت فیلم «لاک پشت» که هنوز به اکران نرسیده است. همچنین اثر سینمایی «قطعه ۸۵» هم اکنون در سینمای هنر و تجربه شهرستان در حال اکران است.

**از نحوه همکاری تان با فرزاد گودرزی و همچنین از ایده تا مراحل نویسندگی فیلمنامه یقه سفیدها بگوئید؟**

این فیلم متفاوت از مختصات کارهای قبلی من است. سرمایه گذار و نویسنده این اثر هر دو با هم به سراغ بنده برای تولید این اثر آمده‌اند. تا حدودی ار همان ابتدا فیلمنامه کامل بود و جذابیت‌های طنزانه و محتوایی خاص به خود را داشت. کارگردانی این ژانر و سبک، قطعاً تجربه تازه و نویی برای من بود. بعد از پذیرفتن کار، طبیعتاً برای آنکه با اثر ارتباط مستقیم‌تری بگیرم. گفتگو‌هایی میان بنده و نویسنده شکل گرفت که منجر به برخی تغییرات جزئی شد.

**علت توقف فیلم در این چند سال از مرحله تولید تا اکران چه بوده است؟**

شرایط بحرانی که در ابتدا با بیماری کرونا و تعطیلی سینماها روبرو بودیم و سپس مسائل دیگری که گریبانگیر سینما شد. البته با توجه به طولانی شدن این مدت، تیم تولید، دوبار برای اخذ پروانه نمایش فیلم اقدام کرد که اولی در دولت قبلی بود و بعدی مربوط به دولت فعلی، به همین سبب اثر دوباره بازبینی شد و بعد از طی شدن روال اداری به لطف آقای روح الله سهرابی و لشگری آماده اکران و نمایش شد.

**درباره محتوا و مضمون فیلم صحبت کنید؟**

فیلم سفیدها از نظر خودم یک فیلم اجتماعی است که رگه‌های از طنز و کمدی هم دارد. البته طنزهایی که بیشتر به دنبال طرح مباحث انتقادی است. این فیلم موضوع «یقه سفیدها» را که نوعی بزهداری اجتماعی پرنرنگ در ایران است، محور خود قرار داده است.

این بزهداری بیشتر در قشر مسئولین اتفاق می‌افتد، کسانی که مسئولیت و تبعات کارهای غیر قانونی خود را نمی‌پذیرند و خود را فارغ از هر دادگاه و دادخواستی می‌دانند. در این باره یک کتاب هم به تالیف محمد قوچانی منتشر شده است. با همین مضمون این فیلم ساخته شد در حین تولید فیلم، به دلیل علاقه شدیدم به «جوکر» ساخته تاد فلیپس ارجاعاتی بینامتنی به این اثر شاخص سینمایی داشتم. چیزی که ما را متحیر کرد شباهت خط اصلی و پیرنگ فیلم یقه سفیدها با جوکر بود. همین طور که در یقه سفیدها نیز ما داستان پسری را داریم که از پدرش بی‌خبر است و شیفته سینما و هنرپیشگی است او در همین مسیر بعد از سالها متوجه می‌شود پدر او از مسئولان کشور است و به همین واسطه وارد جریان‌های خاصی می‌شود. این فیلم علاوه بر اجاعاتی که به اثر جوکر دارد، گریزهای نیز به فیلم «جدایی نادر از سیمین» و همچنین سبک فیلم فارس ایرانی، خصوصاً هنرپیشه محبوب آن دوران بهروز وثوقی می‌زند.

**به برجستگی‌های این فیلم که آن را به اثری متفاوت برای مخاطبان بدل کرده است، اشاره کنید؟**

در این فیلم بازی مهدی کوشکی در نقش اصلی و پسر قصه، بسیار خوب از کار درآمده است. پسر این داستان شیفته بهروز وثوقی است و بازی‌های درونی و بیرونی او با نوستالوژی‌هایی که دارد، برای مخاطب جذاب بوده است. علاوه بر این فیلم‌های کمدی امروز بیشتر به دنبال گرفتن خنده از تماشاگر و سرگرمی‌سازی او هستند. این تفکر برای ما هم بسیار قابل اهمیت بود که حرف خود را در قالب طنز و شوخی بزنیم. نقد جدی در شرایطی که مردم آستانه تحمل‌شان بسیار پایین است کاربرد ندارد. تلاش تیم تولیدی این فیلم بر این استوار بود که به دنبال ساخت اثر کمدی هجو نرویم و با زبان طنز پرده از معضلات عمیق اجتماعی برداریم و یک اثر کمدی گروتسک وار از اثر ارائه بدهیم. اثری که ضمن اینکه خنده‌ای در لب تماشاگر می‌آورد او را به نسبت به موضوعی خاص مسئله‌مند می‌کند. با این رویکرد این فیلم با وجود فضای شاد و مفرحی که دارد در زیر متن واقعیت اجتماعی سخت زندگی این اشخاص را نشان می‌دهد.

**مخاطب این فیلم کدام قشر از اجتماع هستند؟**

این فیلم برای تمامی قشرها، خصوصاً خانواده‌های ایرانی تولید شده است. همین طور به لحاظ محتوایی که در مضمون و زیر متن دارد برای صاحب نظران دغدغه‌مند قابل تامل است. ارجاعات فیلم به تاریخ سینما در ایران و جهان نیز از جذابیت‌هایی است که هنرمندان را حین دیدن اثر راضی نگه می‌دارد. البته در این میان ممکن است برخی با این اثر ارتباط برقرار نکنند که این موضوع هم از نظر ما طبیعی و قابل قبول است. رسانه سینما با رویکردهای متفاوتی که دارد همواره موافقان و مخالفان خود را داشته است.

**صحبت پایانی:**

قبل از این ما فکر می‌کردیم سختی فیلم در تولید آن است. روزهای سختی که شبانه روز برای تولید یک اثر قابل دفاع زحمت می‌کشیم. اما متأسفانه در ادامه مسیر متوجه اتفاقاتی در اکران شدیم که سختی آن روزها کاملاً رنگ باخت. مواجهه فیلمساز با مافیای پخش، سینما دار و شورای صنفی بسیار ناعادلانه است. طوری که گویا بعد از این مرحله این دوستان با تصمیمات خود سر نوشت هر فیلم را مشخص می‌کنند. متأسفانه در سینمای امروز ایران هیچ نظارت موثری بر نمایش و پخش فیلم وجود ندارد. هنرمندان با سختی و مرارت و عبور از هزاران فیلتر و ... اثری را آماده پخش می‌کنند در ادامه سر نوشت فیلم‌شان به دست گروهی می‌افتد که با اعمال نظرهای شخصی و منفعت طلبی نتیجه زحمات او را به باد می‌دهند. اتفاقاً مسائلی که بعد از این مرحله برای فیلمساز می‌افتد فارغ از این است که اثر مستقل است یا دولتی و یا اینکه چه محتوا و مضمونی دارد! تنها بر اساس میزان فروش فیلم در مورد اثر تصمیم‌گیری می‌شود. در هفته گذشته فیلم یقه سفیدها جزو چهار اثر پرفروش سینما در خبرگزاری‌ها و ... اعلام شد. بلافاصله فردای همان روز تعداد سالن‌های اختصاص یافته به فیلم یقه سفیدها به یک چهارم تقلیل پیدا کرد! چرا که از نظر دوستان همین قدر میزان فروش برای فیلم ما کافی بوده است و اجازه ندادند اکران روند طبیعی خود را طی کند. این مسائل از جایی نشأت می‌گیرد که متأسفانه سینما دار خودش تهیه‌کننده و پخش‌کننده است با این حساب از تمام امکانات خود برای پخش بهتر و پرفروش‌تر فیلم خود استفاده می‌کند. این مسائل کاملاً برای دوستانی که فیلم روی پرده اکران دارند روشن و واضح است. این وضعیت برای فیلمسازان اسفبار است که عده‌ای در جلسات خصوصی برای میزان فروش، مدت اکران، ساعت و سالن اکران فیلم‌شان تصمیم‌گیری می‌کنند و سر نوشت فیلم را به صلاح دید خود معلوم کنند. حتماً باید شورای نظارت به این مسئله رسیدگی کرده و این مشکل را حل کند.